

## احیای مدیریت مشارکتی برای شکوفایی اقتصادی روستاها درآمدی به جایگاه نهادشناسی در تبیین الگوی بومی پیشرفت

اسفندیار عباسی

مشاور الگوی بومی پیشرفت، خدمات اطلاع رسانی اسفندیار عباسی  
Email: esfandiarabbassi@gmail.com

### چکیده

مقاله ابتدا به معرفی نهاد و نهادشناسی و توصیف استفاده ابزاری غرب از تکنولوژی نهادسازی برای گسترش الگوی غربی توسعه در جهان می پردازد. توسعه کشاورزی شیمیایی در جهان پیامدهای نامطلوب زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین تمرکز قدرت و ثروت در دست شرکت های بزرگ غربی و نتیجتاً تضعیف امنیت غذایی در کشورها را موجب شده است. پژوهش حاضر نشان می دهد که این پیامدها برخاسته از نهادی رقابتی و فراملیتی است که به جای نهادهای بومی کشاورزی مبتنی بر مشارکت جایگزین شده است. طبعاً الزامی است که برای احیای مدیریت کارآمد در بهره برداری مشارکتی و عادلانه از منابع در روستاها و شکوفایی اقتصادی این واحدهای جمعیتی، ماهیت و اهداف این نهاد تحمیلی غرب از یک سو و ویژگی های نهادهای بومی از میان رفته از سوی دیگر شناخته شود. همان طور که نتایج طرح پژوهش مشارکتی در روستای خورهه محلات (استان مرکزی) نشان می دهد، با این شناخت ریشه ای و کل نگر، الگوهای رفتاری خاص این نهاد تحمیلی را می توان آگاهانه تغییر داد. دستاوردهای علمی و عملی خورهه ثابت کرده است که با تغییر این الگوهای رفتاری زبانبار توسط کلیه گروه های عضو (بهره برداران و مسئولان دستگاه های دولتی)، تشکل سازی محلی و آموزش مهارت های ارتباطی و نوآوری به بهره برداران می توان راه را برای احیای فرهنگ مشارکت، خودباوری فرهنگی و اقتدار علمی هموار ساخت و از خسارات نهاد فراملیتی کاست. با الهام از دستاوردهای خورهه، تکرار این تجربه موفق در سراسر کشور برای دستیابی به الگوی بومی پیشرفت و حل مسایل کنونی مرتبط با کشاورزی، به ویژه توسعه روستایی و تامین امنیت غذایی، عملی، ضروری و مطلوب است. اطلاعات مندرج در این مقاله حاصل تحقیقات کتابخانه ای و پژوهش میدانی است.

واژه های کلیدی: نهادشناسی - تکنولوژی نهادسازی - مدیریت مشارکتی روستایی - نهاد فراملیتی کشاورزی - رشد اقتصادی روستاها

### 1- مقدمه

مسایل مرتبط با کشاورزی، غذا و توسعه روستایی، جهانی است. آلودگی و نابودی آب های زیر زمینی، شور شدن اراضی زراعی، فرسایش خاک، نابودی ذخایر ژنتیکی (بذرهای بومی کشاورزی)، بروز بیماری های گسترده در میان کشاورزان و مصرف کنندگان، گسترش بی سابقه آفات نباتی، نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، گرانی بی سابقه غذا، حذف نفقات در فرآیند تولید کشاورزی (عامل بیکاری و مهاجرت روستاییان) و بهره برداری ناپایدار و نابرابر از منابع طبیعی که توسط پژوهشگرانی چون آلتیری، [1] گلیسمن، [2] شیوا، [3] پاپلی یزدی، [4] پیمنتل، [5] پیرس، [6] سینگ، [7] شاه، [8] فرنکل، [9] فرهادی، [10] و مور لپه [11] بررسی شده است گریبانگیر همه کشورهای دنیاست. از سوی دیگر، تمامی کشورها، اسلامی و غیر اسلامی، توسعه یافته و

دنباله رو،<sup>1</sup> همگی خود را ناگزیر از توسعه کشاورزی شیمیایی و صنعتی، و رقابت در تجارت جهانی محصولات کشاورزی می دانند و نتیجتاً به مسایلی چون بالا رفتن قیمت های جهانی غذا از یک سو و از سوی دیگر به تمرکز فزاینده ثروت و قدرت در دست معدود شرکت های فراملیتی مرتبط با تجارت غذا و تولید نهاده های کشاورزی، مثل بذره های اصلاح شده، کود و سموم شیمیایی و تجهیزات آبیاری، دامن می زنند. با اینکه تداوم این مسایل به نفع هیچ ملتی نیست، می بینیم که دولت های جهان، صرفنظر از پیشینه تاریخی، دینی و فرهنگی و وابستگی و استقلال سیاسی، همگی در ادامه سیاست های زیانبار متداول در تولید کشاورزی امروز یکسان عمل می کنند. چرا چنین است؟

بررسی سیستمی مسایل نامبرده از دیدگاه نهادشناختی، علت ریشه ای آنها را در دو عامل، (1) نابودی مدیریت مشارکتی بهره برداران روستایی از منابع محلی و (2) تداوم سیاست های نامعقول فعلی دولت ها در تشویق کشاورزی شیمیایی و تجارت محصولات کشاورزی، می یابد که از نتایج استقرار نهادی فراملیتی در کشاورزی کشورهاست. این نهاد جهانی، با برنامه ریزی و اجرای هدفمند، طی نیم قرن اخیر به نام اصلاحات ارضی و انقلاب سبز و با هدایت و حمایت مالی بنیادهای بزرگ مالی و صنعتی غرب و با مشارکت فکری و فنی برخی از دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی جهان به وجود آمده و تکامل یافته است. در بخش های بعدی مقاله حاضر ابتدا به معرفی مفهوم نهاد و مباحث نظری مرتبط با استفاده ابزاری غرب از «تکنولوژی نهادسازی» (*institution-building technology*) می پردازیم. مطالعه نهاد به عنوان ساختاری اجتماعی که الگوهای رفتاری خاصی را تشویق می کند مورد توجه جامعه شناسان، مردم شناسان و فیلسوفان بوده است. اندیشمندان اقتصاد سیاسی غرب نیز از تکنولوژی نهادسازی به عنوان روشی مؤثر برای کاستن از احتمال بروز مقاومت سیاسی از جانب ملت ها و دولت ها در واکنش به الگوهای غربی توسعه سخن گفته اند. در بخش سوم مقاله به توصیف نهادی بومی موسوم به «بنه» در کشاورزی سنتی ایران می پردازیم که پیش از اصلاحات ارضی دهه 1340 و ترویج کشاورزی شیمیایی و مکانیزه، سامان بخش مدیریت مشارکتی تولید زراعی در بسیاری از روستاهای ایران بود. این نهاد بومی بر اثر تحولات اقتصادی مرتبط با اصلاحات ارضی و انقلاب سبز تضعیف گردید و نهایتاً توسط نهاد فراملیتی کشاورزی، با عاملیت دولت مرکزی، جایگزین شد.

بخش چهارم مقاله به بررسی انگیزه های سیاسی و اقتصادی و چگونگی معرفی نهاد فراملیتی کشاورزی در جهان اختصاص دارد. این نهاد که با شعارهای نودوستانه ای چون افزایش تولید غذا برای ریشه کن کردن گرسنگی و فقر در جهان معرفی شد و بدون مقاومت سیاسی از سوی دولت ها و ملت ها در کشورهای دنباله رو مستقر گردید، در عمل، رفتارهای رقابتی بهره کشی از منابع طبیعی را جایگزین رفتارهای مشارکتی بهره برداران محلی ساخت. به همین سیاق، تفکر برنامه ریزان کشورها را نیز از «تولید کشاورزی برای مصرف داخلی» به سوی رقابت در «تولید برای صادرات به بازارهای خارجی» سوق داد. نهادها به لحاظ توانایی آنها در ایجاد الگوهای رفتاری پایدار در جامعه، در مقیاسی وسیع و در سطوح مختلف، بسیار قدرتمند و پایدار اند. اما آیا راهی برای گریز از الگوهای رفتاری دیکته شده توسط نهادهای تحمیلی غرب وجود دارد؟ جواب به این سؤال قطعاً مثبت است. با تشخیص ماهیت نهادی سیاست ها و الگوهای رفتاری زیانبار می توان نهادهای تحمیلی را شناسایی نمود و برای بسترسازی اقتصادی و اجتماعی به منظور ایجاد نهادهای بومی و سازنده اقدام کرد. بخش پنجم مقاله، این فرآیند را، با معرفی طرح توسعه محلی روستای خورهه محلات، استان مرکزی، که برای احیای مدیریت مشارکتی در این روستا از طریق زدودن «دیدگاه محرومیت» و «تولید برای مصرف داخلی» صورت گرفت، توصیف می کند. این تجربه پژوهشی/عملی به یافته های علمی و راهکارهای اجرایی قابل توجهی دست یافت که افق های جدید و امیدوار کننده ای در راستای تبیین الگوی بومی پیشرفت روستاها در سراسر کشور گشوده است.

در پایان، در بخش نتیجه گیری، با استناد به یافته های پژوهشی خورهه، به جایگاه نهادشناسی در پیشبرد تبیین الگوی بومی پیشرفت، که در کشور ما الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نام گرفته، اشاره می شود. در این بخش همچنین راهکارهایی

---

<sup>1</sup> این کشورها را قبلاً کشورهای جهان سوم و امروزه کشورهای در حال توسعه می خوانند. اما برای بیان حق مطلب، کشورهای دنباله رو عنوان مناسب تری است.

عملی در چارچوب قانون کنونی شوراهای اسلامی و دهیاری ها جهت تسهیل مدیریت مشارکتی به عنوان انتخابی عملی، ضروری و مطلوب برای توانمندسازی اجتماعی و شکوفایی اقتصادی روستاها پیشنهاد می گردد.<sup>2</sup>

## 2- نهاد شناسی: علم پایداری الگوهای رفتاری در جامعه

بنا به تعریف، نهاد مجموعه ای از سِمَت ها، نقش ها، عرف، و ارزش هاست که در قالب ساختاری اجتماعی، الگوی رفتاری خاصی را جهت رفع مسایلی بنیادین به منظور فراهم کردن منابع حیاتی مورد نیاز مردم، بقای نسل و حمایت از دوام ساختارهای حیاتی جامعه در محیطی خاص دنبال می کند.<sup>[12]</sup> نهادها بسیار متنوع اند و تا کنون به صورت های مختلف دسته بندی شده اند: از لحاظ نوع، نهادهای اجتماعی (مثل خانواده، روستا و شهر) و نهادهای اداری (مانند شرکت ها، ادارات دولتی و مؤسسات آموزشی) قابل اشاره اند. از لحاظ اصلیت نیز به طیف وسیعی از نهادهای کاملاً بومی از یک سو و نهادهای کاملاً وارداتی از سوی دیگر برمی خوریم. نهادهای بومی حاصل فرآیندی اندام وار (آرگانیک) در جوامع اندک از تعامل بین مردم و تطبیق تدریجی آن با خصوصیات جغرافیایی محل برمی خیزند و تکامل می یابند. اما نهادهای وارداتی، که انواع نهادهای اداری امروز را در برمی گیرند، عمدتاً برخاسته از فرهنگ غرب و اساساً غیر بومی اند.<sup>3</sup>

سه ویژگی نهاد، این مجموعه اجتماعی - فرهنگی را برای نخبگان اقتصاد سیاسی غرب جذاب کرده است: یکی اینکه نهادها ماهیتاً پایدار اند، به این معنی که وقتی نهادی در جامعه ای معرفی شد و پا گرفت، ایجاد تغییر در آن به آسانی رخ نمی دهد. این پایداری مرهون ویژگی دوم نهادهاست. در نهادها، هر عضو، الگوی رفتاری خاصی را برای خود منطقی می بیند و در مسیر تداوم نهاد و رسیدن به اهداف آن، این الگوی رفتاری را مجدانه دنبال می کند. الگوی رفتاری خاص هر عضو بر اساس ویژگی سوم نهادها، که همان فهم مشترک اعضا از سِمَت ها، نقش ها، عرف و ارزش های آن است، شکل می گیرد و هر عضو را در ایفای نقش خود در سِمَت یا جایگاهی که دارد ثابت قدم می کند.

برای درک این ویژگی ها، به طور مثال، نهاد خانواده و شهر، که برای غالب خوانندگان ملموس است، را در نظر می گیریم. دوام خانواده (مثالی از نهاد بومی)، که در بسیاری از جوامع کانون فداکاری و تلاش فوق العاده والدین در رویارویی با انواع مشکلات است، مرهون اعتقاد اعضای اصلی این نهاد، یعنی پدر و مادر، به سمت ها، نقش ها و باورهای ارزشی مرتبط با خانواده است. مسلماً تضعیف این باورها و تعطیل الگوهای رفتاری خاص ایشان، به تزلزل نهاد خانواده و ناهنجاری در رشد و تربیت فرزندان می انجامد. در نهاد شهر مدرن (نمونه ای از نهاد وارداتی) نیز پیروی مجدانه از الگوهای رفتاری خاص، اگرچه در این مورد با نتایج ویرانگر، دیده می شود. با علم به ماهیت نهادی شهرهای امروز، روشن می شود چرا به رغم آگاهی عمومی در مورد فاجعه آلودگی هوا و دلیل اصلی آن (یعنی حمل و نقل با خودروهای شخصی)، و همچنین کثرت تلفات جانی و مالی ناشی از آلودگی محیطی و تصادفات، و هزینه های هنگفت مرتبط با تملک خودرو شخصی (مثل اتلاف روزانه چندین ساعت در

<sup>2</sup> این مقاله از طریق پژوهش جامع و با استفاده از آثار پژوهشگران مستقل تدوین شده است. برای اطلاع بیشتر در مورد پژوهش جامع و پژوهش مستقل به آدرس های اینترنتی زیر نگاه کنید:

پژوهش جامع [www.eabbassi.ir/deepresearchintro.htm](http://www.eabbassi.ir/deepresearchintro.htm) (دسترسی در 9/4/1390).

پژوهش مستقل [www.eabbassi.ir/independentresearchintro.htm](http://www.eabbassi.ir/independentresearchintro.htm) (دسترسی در 9/4/1390).

<sup>3</sup> این باور که موفقیت اقتصادی و پیشرفت کشورهای دنباله رو در گرو پیروی کامل از الگوهای غربی در اداره امور در مدیریت دولتی و بازرگانی است تصور بی اساسی است. ژاپن و چین، دو قدرت بزرگ اقتصادی آسیا ضمن استفاده از برخی از الگوهای مدیریتی و سازمانی غرب، از پیروی محض از این الگوها اجتناب ورزیده اند. مثلاً در ژاپن قبل و بعد از جنگ جهانی دوم از نهادهای بومی زایباتسو و کایریتسو و در چین از نهادی بومی موسوم به «بنگاه های شهر و روستا» به طور گسترده استفاده شده است. منبع:

Chang, Ha-Joon. 2006. *Understanding the relationship between institutions and economic development: Some key theoretical issues. Discussion Paper No. 2006/05, July. United Nations University, UNU-WIDER.*

در واقع نهادی می تواند در راستای منافع یک ملت عمل کند که، طبق تعریف نهاد، برای محیط خاص خود رشد و تکامل یافته باشد.

ترافیک و خرج تعمیرات و قطعات، وام، بیمه و سوخت خودرو)، هر یک از اعضای مختلف این نهاد، بنا بر ارزش های تعریف شده برای او، با جدیت تمام به رفتار غیر معقول خود ادامه می دهد: شاهدیم که هر ساله شهروندان بیشتری خودرو می خردند؛ صنایع خودروسازی تعداد بیشتر و مدل های متنوع تری می سازند؛ بانک ها با تبلیغ وام خودرو، خرید آن را میسرتر می کنند؛ و برنامه ریزان و مدیران شهری با تعریض معابر و احداث جاده های جدید، پارکینگ ها و فضای سبز کنار بزرگراه ها راندن خودرو را جذاب تر می کنند. هر یک از این گروه های عامل در نهاد شهر، نقش و عملکرد خود را بر اساس ارزش های مشترکی که در جامعه ترویج شده منطقی می بیند و بدون توجه به فرآیند هولناک تخریب، به رفتار خود ادامه می دهد.

امروزه در کشاورزی جدید نیز رفتارهای نامعقول مشابهی را از سوی بازیگران این حوزه شاهدیم. با وجود اطلاعات وسیع و معتبر در مورد مضرات کودها و سموم شیمیایی و نادرست بودن واردات بی رویه محصولات غذایی و نامعقول بودن صدور مجوز برای حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق، این عملکردها، در قالب الگوهای رفتاری منطقی نهاد کنونی کشاورزی ادامه می یابد و جامعه پیامدهای نامطلوب ناشی از این روش ها، که نمونه هایی از آنها در مقدمه ذکر شد، را متحمل می شود. اشتباه است اگر بیندیشیم که این مسایل و تداوم الگوهای رفتاری نادرست صرفاً از عوارض اجتناب ناپذیر پیشرفت یا ناشی از عدم مدیریت صحیح طرح های توسعه از سوی مسئولان است. در بخش چهارم این نوشته به انگیزه های سیاسی و اقتصادی پی ریزی آگاهانه و هدفمند نهاد فراملیتی کشاورزی می پردازیم که مشوق این رفتارهاست و از تداوم آنها سود کلان می برد. اما نکته قابل تاکید در اینجا این است که این نهاد فراملیتی یکی از گویاترین مصادیق موفقیت زیرکانه غرب در استفاده ابزاری از تکنولوژی نهادسازی به منظور نهادینه کردن الگوهای رفتاری خاص در بهره کشی از منابع طبیعی و انسانی کشورها، به نفع خود، و با کمترین مقاومت سیاسی از سوی ملت ها و دولت هاست.

آنتونی گیدنز از پرنفوذترین اندیشمندان غربی در حوزه نهادشناسی است. تئوری ساختارسازی (*structuration theory*) او تأثیری عمیق در گسترش استفاده ابزاری از نهادشناسی در اشاعه الگوی غربی توسعه داشته است. پیش از وی، اندیشمندان این حوزه بیشتر بر تقدم و تأثیر ساختار (*structure*) بر فرد (*agency*) تاکید داشتند. با این نتیجه گیری که ساختارهای اجتماعی تأثیری سرنوشت گونه بر آدمی دارد چون منطق و رفتار فرد توسط ساختاری که در آن فعال است تعریف می شود و لذا وی غیر از آن را نمی تواند تصور کند. اما گیدنز تأثیر این دو عامل را متقابل توصیف کرد، با این نتیجه گیری که همان طور که ساختارهای اجتماعی تداوم رفتار در افراد را موجب می شود، تغییر در رفتار افراد نیز می تواند ساختارها را دگرگون کند و به ایجاد ساختارهای جدید بینجامد. او توضیح می دهد که با ایجاد تغییر در شرایط زمانی و مکانی (فضاسازی) و از طریق وضع قوانین و مقررات و نیز فراهم کردن هدفمند برخی منابع و امکانات می توان به تغییر در رفتار افراد در سطح جامعه دامن زد و زمینه را برای ساختارسازی جدید فراهم نمود. نظر دیگر گیدنز در مورد ساختارهای اجتماعی، به تفاوت بین «دانش مشترک» و «عقل سلیم» اشاره دارد. به اعتقاد او اگر باور ارزشی افراد نسبت به موضوع خاصی مشترک باشد، رفتار ایشان، حتی اگر غیر معقول باشد، منطقی و درست به نظر می رسد و سؤال برانگیز نمی شود.<sup>[13]</sup><sup>4</sup>

عموماً متون غربی، نهادسازی در کشورهای دنباله رو را برای رسیدن به ترقی و توسعه امری ضروری معرفی می کنند و این ضرورت را با زبانی مصلحت اندیشانه و دلسوزانه توجیه می کنند. بزرگترین مجموعه از این متون را می توان در انتشارات سازمان های مالی بین المللی مثل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول یافت. اما ماهیت و انگیزه های استعماری استفاده

---

<sup>4</sup> نمونه ای از مصادیق امروزی تضاد بین دانش مشترک و عقل سلیم که موجب بروز الگوی رفتاری نامعقول و خطرناکی شده است باور گسترده کنونی در مورد برتری نمک تصفیه شده بر نمک طبیعی است. نفوذ این باور، حتی در میان نخبگان علمی، بسیار عمیق است. کما اینکه شاهدیم با اینکه نمک تصفیه شده باعث بروز بی سابقه عارضه مرگبار فشار خون بالا شده، کمتر کسی می پرسد که چرا ما نمک طبیعی سلامتبخش زمان آزموده خود را رها کرده ایم و نمک تصفیه شده صنعتی می خوریم. برای اطلاع بیشتر در مورد ابهام موجود در این مورد و نقش شرکت های چند ملیتی در ایجاد آن نگاه کنید به نتیجه پژوهش جامع در مورد نمک طعام با عنوان «نمک، عامل فشار خون: واقعیتی علمی یا فربیی کم شناخته؟» (ماهنامه سنبله، شماره 191، آبان 1388). برای مصادیق دیگر این پدیده در عصر ما، نگاه کنید به: [www.eabbassi.ir/articlesandlinks1.htm](http://www.eabbassi.ir/articlesandlinks1.htm) (دسترسی در 9/4/1390)

ابزاری غرب از نهادسازی را می توان در نوشته ها و بیانات مخالفان و اصلاح طلبان آن نظام یافت. مثلا دیوید کورتن، نویسنده کتاب «زمانی که شرکت های فراملیتی زمام امور دنیا را به دست می گیرند»<sup>5</sup> و یکی از اقتصاددانان برجسته غرب با سابقه کار در بنیاد مالی فورد، آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده و تدریس در دانشگاه هاروارد می نویسد:

اگر چه مرا غالبا اقتصاددان می پندارند، اما من به اقتصاد از دیدگاه یک طراح سیستم های سازمانی می نگرم. در زمانی که در هاروارد تدریس می کردم، به دانشجویانم هنر هدایت ارتباط انسانی از طریق ساختارسازی به منظور دستیابی به راندمان بهتر و سود بالاتر در شرکت های بزرگ را می آموختم... این هنر شامل مهارت هایی چون ایجاد انگیزه مطلوب، تغییر فرهنگ محیط کار، وضع مقررات مساعد، کنترل تبادل اطلاعات بین افراد و چندی دیگر از راهکارهای مدیریتی است... همین ابزار فکری را می توان در طراحی ساختارهای نهادی برای ایجاد تغییر [دلخواه] در جوامع نیز به کار گرفت، که یا به تمرکز قدرت و ثروت در دست اقلیتی کوچک دست یافت، یا به عکس، زمینه مناسب برای مشارکت مردمی در تصمیم گیری ها، بهبود عدالت اجتماعی و تامین آسایش عمومی مردم را فراهم نمود.<sup>[14]</sup>

هاجون چنگ، استاد دانشگاه کمبریج، مشاور بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی و نویسنده چندین کتاب در حوزه اقتصاد توسعه و اقتصاد نهادی (*institutional economics*) نیز از نخبگان برجسته استفاده ابزاری از نهادسازی برای پیشبرد توسعه از نوع غربی آن در جهان است. او معتقد است که استفاده از تکنولوژی نهادسازی در کشورهای دنباله رو اساسا فعالیتی است سیاسی که طبعا با مخالفت هایی در جامعه دریافت کننده روبرو می شود. توصیه کارشناسی وی برای کاستن از احتمال هرگونه مقاومت سیاسی، پرهیز از معرفی نهادی آماده و ساخته و پرداخته در ابتدای کار است. به نظر او مؤثرتر است که اصلاح نهادی در کشورهای دنباله رو با معرفی فعالیت های اقتصادی هدفمند شروع شود به طوری که برای پاسخگویی به تقاضاهای مرتبط با این فعالیت ها، نهاد مطلوب به تدریج و گویی خود به خود شکل گیرد و به این صورت مقاومت مردم، صاحب نظران و سیاستگذاران کشورها در برابر نهاد بیگانه برانگیخته نشود.<sup>[15]</sup>

www.eabbassi.ir

### 3- مشارکت: اساس نهاد بومی کشاورزی

تغییرات اقتصادی هدفمندی که 6 دهه پیش، بدون مقاومت سیاسی ملت ها و دولت ها، پی ریزی نهاد فراملیتی کشاورزی و نتیجتا نابودی تدریجی نهادهای بومی تولیدی روستایی را موجب شد اصلاحات ارضی و انقلاب سبز بود. قبل از بررسی ویژگی های این نهاد فراملیتی، از جمله باورهای ارزشی و الگوهای رفتاری خاص آن، و سپس ارائه راهکاری بومی برای معکوس کردن پیامدهای زیانبار این نهاد غربی، لازم است که نگاهی مختصر به نهاد بومی کشاورزی در ایران که توسط این نهاد تحمیلی جایگزین شد بیندازیم و ویژگی های آن را بهتر بشناسیم.

تا کنون، بررسی آکادمیک مدیریت سنتی در روستاها بیشتر از دیدگاه اداری و دولتی انجام شده است.<sup>6</sup> می بینیم که در مطالعه دوران پیش از اصلاحات ارضی، به لحاظ ارتباطی که مالک و آمربران وی (یعنی کدخدا یا مباشر) بین روستا و دولت برقرار می کردند (برای پرداخت مالیات، سربازگیری و غیره)، این افراد به عنوان مدیر روستا معرفی می شوند.<sup>7</sup> اما شناخت

<sup>5</sup> Korten, David C. 2001. *When Corporations Rule the World*, 2<sup>nd</sup> ed. Bloomfield: Kumarian Press.

<sup>6</sup> نمونه ای از این دست که به کرات به آن استناد می شود کتاب مدیریت روستایی در ایران اثر مهدی طالب (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1371) است.

<sup>7</sup> در قانون فعلی مرتبط با وظایف شوراهای اسلامی و دهیاری ها نیز این تمرکز یک جانبه آشکار است. این وظایف عمدتا امور اداری مورد نظر دولت را در بر می گیرد و در مورد ملزومات مدیریت محلی برای تسهیل فعالیت های اقتصادی در روستا نکته قابل توجهی که عملی باشد ندارد.<sup>[38]</sup> این در صورتی است که با توجه به ماهیت اجتماعی-فرهنگی-اقتصادی-محیطی روستا به عنوان یک واحد جمعیتی، مدیریت اداری و اقتصادی یک ده نمی تواند از هم جدا باشد.

کامل مدیریت کارآمد در روستا بدون در نظر گرفتن دیدگاه خود روستاییان ناممکن است. از این دیدگاه محلی، روستا هم یک واحد جمعیتی از خویشاوندان است و هم یک واحد اقتصادی با پتانسیل خودکفایی، واقع در مکانی با شرایط جغرافیایی خاص خود.<sup>8</sup> از این دیدگاه، در بررسی های تاریخی روستا، علاوه بر مالک، نقش دیگر عاملان تولید نیز برجسته می گردد و مدیریت بومی، نه به نام یک فرد، بلکه به عنوان حاصل کار مشارکتی اعضای یک نهاد اجتماعی محلی درک می شود که این امر رویکرد کارآمد مدیریت مشارکتی در روستا در پژوهش های علمی تعاونی های بومی کاملاً مشهود است.

در چهار دهه اخیر، پژوهشگرانی چون صفی نژاد<sup>[16]</sup> و فرهادی<sup>[17][18][19]</sup> آثار پرباری در نوع شناسی و عملکرد تعاونی های بومی به چاپ رسانده اند. در این آثار خواننده با جزییات نمونه های متنوعی از شیوه های یاریگری در میان روستاییان و مدیریت مشارکتی در بهره برداری جمعی از منابع آشنا می شود. تاریخاً، ضرورت بهره برداری گروهی از منابع مشترک، مثل آب و خاک از یک سو، و از سوی دیگر خویشاوندی روستاییان و لزوم انجام کارهای سخت و طولانی، مثل احداث و نگهداری قنوات و نهرها و رویارویی با بلایای طبیعی، روستائینان را به سوی تعاون و یاریگری متمایل می کرده است.<sup>9</sup> یکی از فراگیرترین انواع مشارکت ها در قالب تعاونی سنتی ای به نام بُنه (همچنین موسوم به صحرا، پاگاو، هراسه و بنکو) صورت می گرفته است. اگر چه در چندی از نقاط پراکنده در ایران شواهد تاریخی وجود این تعاونی را تایید نمی کند،<sup>[20]</sup> به نظر می رسد که تا قبل از اصلاحات ارضی، عملکرد این تعاونی سنتی در روستاها به قدری گسترده و نافذ بود که می توان آن را نهادی عام برای مدیریت مشارکتی در روستاهای آن زمان قلمداد کرد.

پژوهشگران، ظهور بنه را به تلاش تاریخی کشاورزان ایران برای بهره برداری مشارکتی از منابع بسیار محدود آب مرتبط دانسته اند.<sup>[21]</sup> در این سازمان بومی یاریگری، فرصت برای مشارکت در تامین دیگر عوامل تولید زراعی مثل بذر، نیروی انسانی، زمین زراعی و نیروی حیوانی برای شخم نیز فراهم بوده است. این عوامل پنجگانه تولید را به دو گروه غیر منقول (زمین و آب) و منقول (بذر، شخم و نیروی کار) تقسیم کرده اند. مسلماً، با توجه به دیگر ملزومات تولید زراعی، عوامل دیگری را نیز می باید به این مجموعه افزود، مثل انواع کود طبیعی برای خاکورزی، دانش تجربی اعضای مجرب تر بنه و ارتباطات اجتماعی و توانایی های خاص اعضای پرنفوذ این نهاد در درون و بیرون جامعه روستایی برای انجام اموری چون بازاریابی محصولات و دفاع از حریم روستا.

در بنه، کشاورزان دسته جمعی کار می کردند و با در نظر گرفتن عوامل پنجگانه بالا، محصول را پس از دادن سهم مالک و پرداخت دیگر هزینه ها، بین خود تقسیم می کردند. بنه توسط فردی به نام سربنه هدایت می شد. سربنه به لحاظ تجربه بیشتر و توانایی های اجتماعی برجسته اش، در مقایسه با دیگر رعایا، وظایف فنی و اجتماعی ویژه ای بر عهده داشت. بنه از حیث ساختار و حدود وظایف اعضای آن همه جا به یک شکل نبود. انواع بنه از نظر میزان همکاری ها در کار کشت و زرع، حدود مالکیت، اهلیت اعضا (بومی یا مهاجر)، میزان دخالت مستقیم یا غیر مستقیم نهاد های حکومتی در امور روستاها و غیره، طبقه بندی شده است،<sup>[22]</sup> که این خود گواه انعطاف پذیری این نهاد گسترده نسبت به شرایط متنوع محیطی است. از سوی دیگر، تعداد بنه ها در یک روستا بر حسب مساحت اراضی زیر کشت و میزان آب موجود در هر سال زراعی متغیر بود. یعنی در خشکسالی که به ناچار از وسعت اراضی قابل کشت کاسته می شد، احتمالاً چند بنه روستا در چند بنه دیگر ادغام می شد و یا

<sup>8</sup> این ویژگی هاست که روستا را از یک مجتمع مسکونی یا شهرک متمایز می کند و ملزومات مدیریتی آن را از نیازهای مدیریتی چنین واحدهای جمعیتی غیر روستایی جدا می سازد.

<sup>9</sup> باور به تمایل ذاتی کشاورزان ایرانی به تکروری که از سوی بعضی از اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی مطرح شده با شواهد تاریخی مطابقت ندارد. اگر مواردی از تکروری روستاییان در سال های اخیر از سوی عاملان ترویج کشاورزی مشاهده و گزارش شده باشد به لحاظ تغییراتی است که در روستاها از لحاظ اقتصادی به وجود آمده که رفتار رقابتی را جایگزین رفتار مشارکتی کرده است. در ادامه نوشته حاضر به بررسی برخی از این تغییرات و عمق تاثیر آنها در رفتار تولید کنندگان روستایی خواهیم پرداخت. برای اطلاع بیشتر مطالعه «نظریه تکروری و ناهمکاری ایرانیان و به ویژه کشاورزان ایرانی»<sup>[17]</sup> سودمند است.

بالعکس، در آبسالی، بنه های بزرگ تر تجزیه و بر تعداد آنها افزوده می گردید. این نشان از توانایی بالای بنه ها در هم اندیشی در حل مسایل و مدیریت مشارکتی فعالان اقتصادی روستا در رویارویی با شرایط متغیر محیطی دارد.

عضویت در بنه و اختیار تصمیم گیری منحصر به افراد ذینفع بود، یعنی تصمیمات فقط توسط رعایای صاحب نسق و دیگران که دارای حداقل یکی از عوامل پنجگانه نامبرده بودند، ولی نه کس دیگری، اتخاذ می شد.<sup>10</sup> نکته قابل توجه دیگر اینکه مبادلات بین اعضای بنه و مبادلات بین بنه و افراد غیر عضو، مانند نجار یا آهنگر روستا، به ندرت شامل پول بود. اجرت ها و سهم ها جملگی بر حسب محصول محاسبه و پرداخت می شد. لذا سهم بودن جمعیت روستاییان در حاصل تلاش بنه، انگیزه ای واحد برای افراد عضو و غیر عضو به وجود می آورد و موجب همدلی همه افراد درگیر می شد. از سوی دیگر، تقسیم کار در بنه به طوری بود که کشاورز بر روی قطعه زمین بخصوصی کار نمی کرد و به جز بذرباشی که توسط سربنه صورت می گرفت، دیگر کارها به صورت کم و بیش یکسان توسط دیگر کشاورزان، با هم، انجام می شد.<sup>[23]</sup> یکسان بودن نوع کار و تساوی سهم همه کشاورزان از برداشت (به استثنای سر بنه که به لحاظ دانش و جایگاه نظارتی خود سهم بیشتری می برد)، رعایت انصاف در دریافت حق الزحمه مساوی در ازای کار مساوی را آسان تر و خالی از شبهه می کرد.

با توجه به این مختصر که در مورد بنه ها بیان شد، چند ویژگی این نهاد مدیریتی بومی قابل توجه است:

- 1) **وحدت انگیزه و مشارکت** - تمامی اعضا در ضرر و منفعت بنه سهم (ذینفع) بودند و دستمزدها نیز همگی با بخشی از محصول پرداخت می شد، لذا اعضا (و حتی افراد غیر عضو)، یکدل و همسو برای موفقیت گروه می کوشیدند.
- 2) **خودکفایی** - کلیه نیازهای تولید کشاورزی در محل تامین می شد.
- 3) **خود اتکایی** - از آنجاییکه دستمزد کلیه افراد غیر عضو قبل از تقسیم محصول بین اعضای بنه پرداخت می شد، به نفع همه اعضا بود که تا حد امکان از بهره گیری از کارگران کشاورزی و دیگر عرضه کنندگان خدمات اجتناب کنند تا هر یک سهم بیشتری ببرند.

4) **رعایت انصاف** - عموماً، در میان بزرگان، برای کار مساوی، سهم مساوی دریافت می شد.

- 5) **بهره برداری متعادل و عاقب اندیشانه از منابع** - ساختار بنه اجازه نمی داد که کسی با بهره کشی بیشتر از منابع مشترک به طور انفرادی غنی شود، لذا امکان رقابت در بهره برداری ناپایدار از منابع (نظیر آنچه امروزه در بهره برداری از چاه های عمیق یا نیمه عمیق یک روستا در رقابت با بهره برداران قنوات آن روستا دیده می شود) وجود نداشت.

محوریت کار کشاورزی در بنه به این معنی نبود که دخالت های مدیریتی این نهاد فقط به مسایل اقتصادی محدود شود. دقیقاً به لحاظ محوریت کار کشاورزی در سطح روستا و جایگاه برجسته اجتماعی بنه، برخی از اعضا (مثل سربنه، مالک، یا مباشر وی)، مستقیماً یا غیر مستقیماً در قالب گروهی محلی با عنوان «ریش سفیدان» برای پیشبرد کار بنه و حفظ صلح در روستا، به دخالت در حل مسایل متفرقه پادرمیانی می کردند.<sup>[24]</sup>

مطالعه بنه، این ساختار اجتماعی را به عنوان یک نهاد بومی مشارکتی و سازگار با شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی (مشخصاً در ارتباط با بهره برداری مشارکتی از منابع طبیعی) در روستاها جلوه گر می سازد. می بینیم که مدیریت مشارکتی بنه، به عنوان یک نهاد محلی، کل روستا را تحت شعاع قرار می داد. همچنین از طریق این مطالعات روشن می شود که نقش مالک یا نمایندگان وی به عنوان «مدیر» روستا یا رابط بین ده و دولت فقط در چارچوب درکی کامل از ماهیت نهادی بنه و ارتباط تو در تو و متکی به هم جنبه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی روستا و فرهنگ مدیریت مشارکتی آن معنی پیدا می کند. معرفی و استقرار نهاد فراملیتی کشاورزی به صورتی که ما امروز می شناسیم، نهادی که به

<sup>10</sup> امروزه در روستاها دیده می شود که در جلساتی که مربوط به مسئله مشخصی است، از روی احترام یا اجبار، شخص دیگری که در ضرر یا منفعت گروه شریک نیست، مثل کارمند اداره ترویج یا بهزیستی، یا یکی از معلمان و دیگر فارغ التحصیلان روستا (چون دانشگاه رفته است)، را نیز شرکت می دهند. تجربه نشان می دهد که این عملکرد معمولاً به طولانی شدن و بی نتیجه ماندن جلسات می انجامد.

بهره‌کشی تجاری غرب از منابع طبیعی و انسانی کشورها تداوم بخشیده و تولید کشاورزی در سراسر دنیا را به خریداری و مصرف نهاده‌های شیمیایی غرب نیازمند ساخته، در کنار نهادی فراگیر، قدرتمند، مشارکتی، خودکفا، مقتصد و عاقبت‌اندیش در بهره‌برداری از منابع طبیعی چون بنه ممکن نبود. نهاد بومی بنه باید از میان برداشته می‌شد.<sup>11</sup>

#### 4- رقابت: اساس نهاد فراملیتی کشاورزی

اجرای اصلاحات ارضی در ایران که موجد تغییراتی بنیادین در اقتصاد روستاها بود، نهاد بنه را به عنوان ساختاری اجتماعی مبتنی بر مشارکت، در کشاورزی ایران نابود کرد.<sup>12</sup> اصلاحات ارضی که با ترویج بذره‌های اصلاح شده و استفاده از کود شیمیایی (انقلاب سبز) توأم بود زمینه مساعد برای اشاعه فرهنگ رقابت در روستا را به وجود آورد. این سیاست‌های اقتصادی هدفمند در بسیاری از کشورهای دنباله‌رو با اعمال فشار و هدایت سیاسی و اقتصادی آمریکا و با شعارهایی چون مدرنیزه کردن کشاورزی برای مبارزه با فقر و گرسنگی به اجرا در آمد.<sup>[25]</sup> بدیهی است که با توجه به تجاری شدن بی سابقه محصولات زراعی و افزایش جهانی قیمت غذا<sup>13</sup> در نیم قرن اخیر این شعارها محقق نشده<sup>14</sup> اما آنچه سیاست جهانی اصلاحات ارضی در انجام آن

---

<sup>11</sup> لازم به ذکر است که وجود نهادهای اجتماعی مبتنی بر مشارکت، منحصر به روستاهای سنتی ایران نبوده است. (فرهادی، «ساخت‌های جهانی همکاری»<sup>[17]</sup>) به نظر می‌رسد که فرهنگ مشارکت به طور کلی از وجوه مشترک جوامع زراعی کهن است. اجرای اصلاحات ارضی و انقلاب سبز، عموماً تأثیری منفی بر این نهادهای مشارکتی در سراسر جهان داشته است. برای نمونه نگاه کنید به:

*Korovkin, Tanya. 2005. Creating a Social Wasteland? Non-traditional agricultural exports and rural poverty in Ecuador. European Review of Latin American and Caribbean Studies 79, October: 47-67.*

*Frankel, Francine R. 1973. Politics of the Green Revolution: Shifting peasant participation in India and Pakistan. In Food, Population, Employment: The impact of the Green Revolution. New York: Praeger.*

<sup>12</sup> به نقل از فرهادی،<sup>[22]</sup> نمونه‌هایی از بنه‌های ناقص («متلاشی شده») با احیا شده در برخی از مناطق روستایی ایران دیده می‌شود. این واقعیت نشانگر کارایی این نهاد و امکان احیای مجدد و کامل آن است. اما وجود این نمونه‌ها به این معنی نیست که در حال حاضر بنه به عنوان نهادی عام، با حضوری که در گذشته در سراسر کشور داشت، هنوز پابرجاست.

<sup>13</sup> بخشی از تجاری شدن غذا این است که بیش از هر زمان دیگری در تاریخ معاصر شاهد واردات و صادرات غذا در سراسر دنیایم و این حمل و نقل غذا در اکثر موارد غیر ضروری و تورم‌زاست. در گزارشی که در اروپا در این باره منتشر شده کشورهای واردکننده و صادرکننده مواد غذایی بسیاری از همان محصولاتی را که صادر می‌کنند خود هم وارد می‌کنند. منبع: به نقل از

*Church, Norman. Why our food is so dependent on oil. Energy Bulletin. <http://www.energybulletin.net/print/5045> (accessed 7 July 2011).*

مسئله این جابجایی غیر ضروری خوراکی‌ها موجب اتلاف و هزینه‌کرد بی‌جا در انرژی است. جنبه دیگر تجاری شدن غذا و افزایش قیمت آن تبدیل شدن محصولات زراعی به کالا است. به واسطه نهاد فراملیتی کشاورزی، سامانه تولید و تجارت محصولات زراعی به طور فزاینده‌ای در دست شرکت‌های بزرگ فراملیتی مونوپولیزه شده و انواع محصولات زراعی در بورس‌های عمده جهان معامله می‌شوند. در این تراکنش‌های مالی، افزایش حداکثری سود در سرمایه‌گذاری مد نظر است نه تأمین غذای مردم جهان. راه مقابله با تجاری شدن غذا و تأمین غذای ملت‌ها با کمترین هزینه، کشت و مصرف محلی محصولات غذایی است. منبع:

*Holt-Giménez, Eric and Loren Peabody. 2008. From Food Rebellions to Food Sovereignty: Urgent call to fix a broken food system. Oakland: Institute for Food and Development Policy.*

<sup>14</sup> روند کاهش امنیت غذایی در جهان به عنوان یکی از پیامدهای نامطلوب اصلاحات ارضی و انقلاب سبز در جهان توسط فرانسیس مور لپه در کتابی با عنوان «اول غذا» در سال 1977 به چاپ رسید.<sup>[11]</sup> در این کتاب با ذکر مستندات فراوان، نویسنده به تبیین باورهای نادرست در مورد انگیزه‌های این دو مورد از دخالت کشورهای قدرتمند در اقتصاد کشورهای ضعیف می‌پردازد. در کتابی متأخرتر با عنوان «غذا: از شورش تا اقتدار، ضرورت تعمیر سامانه ناکارآمد تولید غذا در جهان» (منبع ذکر شده در پاورقی قبل) نویسندگان، اریک هولدهیمنز و لورن پی بادی، در تحلیلی اقتصادی از روند افزایشی قیمت غذا در سراسر دنیا به بررسی دلایل این افزایش به ویژه مونوپولیزه شدن تجارت مواد غذایی در دست شرکت‌های چندملیتی قدرتمند جهان می‌پردازند. مثلاً سه شرکت بزرگ آرچر دنیلز میدلند، کارگیل و بانجی بخش عمده‌ای از تجارت غله دنیا را در دست گرفته‌اند. همچنین بر اساس گزارشی از سازمان ملل در سال 2006، چهار شرکت بزرگ به نام‌های دو پانت، مونسانتو، سینجنتا و لیما گرین با هم 30 درصد فروش بذر اصلاح شده در دنیا را در اختیار دارند. منبع:



به موفقیت کامل دست یافته پی ریزی و تکامل نهادی فراملیتی با عاملیت دولت های مرکزی است که در این مدت به تدریج نهادهای بومی مرتبط با کشاورزی را نابود و نهادی جهانی برای بهره کشی از منابع طبیعی و انسانی کشورها به سود غرب را جایگزین آنها کرده است.

سؤال اینجاست که آیا جایگزین شدن بنه و دیگر نهادهای بومی مشابه در جهان پدیده ای اتفاقی بوده است؟ به بیان دقیق تر، آیا جایگزین شدن نهادهای محلی مدیریت کشاورزی با ویژگی هایی چون خودکفایی، خود اتکایی، استفاده پایدار از منابع طبیعی و مدیریت مشارکتی روستاها با نهادی جدید که در سراسر جهان به رقابت بین بهره برداران منابع طبیعی و به وابستگی بیشتر جوامع به صادرات و واردات محصولات غذایی منجر گردیده، خود به خود و بدون انگیزه قبلی و برنامه ریزی هدفمند صورت گرفته است؟ با بررسی مراحل معرفی و گسترش تدریجی ترویج کشاورزی شیمیایی در جهان از یک سو و تطبیق این معلومات با آثار تئوریک اندیشمندان اقتصاد سیاسی غرب از سوی دیگر می توان به ماهیت برنامه ریزی شده و هدفمند این تغییر نهادی گسترده پی برد.<sup>15</sup>

در ایران نهاد مشارکت - بنیان کشاورزی سنتی، مانعی عظیم در برابر تلاش غرب برای اشاعه کشاورزی تجاری محسوب می شد. هدف از تقسیم اراضی واقعا تقسیم اراضی زمینداران بزرگ نبود چرا که زمین داران بزرگی که در آن زمان بدون مدیریت مشارکتی و با روش های شیمیایی، مکانیزه، و با استفاده از کارگران کشاورزی (نه با همکاری رعایای سهم بر) کار می کردند از قانون تقسیم اراضی مستثنی بودند.<sup>[26]</sup> هدف اصلی این حرکت از میان بردن نظام مشارکتی محلی بهره برداری از آب و خاک بود. چگونگی جایگزین کردن نهادهای بومی با نهاد فراملیتی کشاورزی یکی از مصادیق کاربرد تکنولوژی نهادسازی به دست غربیان است که هاجون چنگ از آن با عنوان «اصلاح نهادی با معرفی فعالیت های اقتصادی هدفمند» سخن می گوید. (بخش 2) فعالیت های اقتصادی هدفمندی که تحت عنوان کشاورزی مدرن و نتیجتا بدون مواجهه با مقاومت سیاسی، به کشورهای دنباله رو، از جمله ایران، صادر شد یکی خرده مالکی، یعنی کشت و زرع در واحدهای مجزا، و دیگری استفاده از نهاده های خارجی، (نهاده هایی که از خارج محیط روستا یا خارج از کشور فراهم می شد)، مثل بذرهای اصلاح شده و کود و سموم شیمیایی بود. برای پاسخگویی به این نیازهای خرده مالکان، به تدریج نهادی کامل با عاملیت و راهبری دولت مرکزی (*state-led agriculture*)، همراه با سیاست های حمایتی (یارانه برای نهاده های جدید) به وجود آمد. اجزای این نهاد نیز یک به یک، در ایران و دیگر کشورهای جهان، به تدریج معرفی شد: تعاونی های روستایی برای توزیع بذر، کود شیمیایی، سموم دفع آفات و وام؛ شبکه ترویج کشاورزی، برای تبلیغ و توجیه استفاده از نهاده های جدید با آموزش کشاورزان؛ و دانشکده ها و مراکز

---

UNCTAD. 2006 *Tracking the trend towards market concentration the case of the agricultural input industry*.  
Geneva: UNCTAD.

خلاصه اینکه وقتی کشت غذا از روش ها و منابع بومی (به ویژه بذرهای بومی) فاصله گرفت، به واسطه تمرکز تولید و تجارت نهاده های مورد نیاز تولید زراعی، کشاورزان و دولت ها چاره ای جز وابستگی به شرکت های بزرگ خارجی ندارند. این یعنی کاهش امنیت غذایی کشورها و تحکیم سلطه اقتصادی و سیاسی غرب در جهان.

<sup>15</sup> بررسی عملکرد نیروی های اشغالگر در افغانستان و عراق نیز در این رابطه آموزنده است. در این دو کشور تحت اشغال، توسعه کشاورزی آهنگ بسیار سریع تری به خود گرفته است. تحولاتی که برای ایجاد وابستگی و نابودی خودکفایی در دیگر کشورهای دنباله رو، طی 6 دهه، با رعایت ملاحظات سیاسی و با کمک گرفتن از کادر علمی دانشگاه ها و بکارگیری مروجین بومی و اعمال سیاست های حمایتی (یارانه) برای تامین نهاده های گرانبه شیمیایی به تدریج صورت گرفت، در این دو کشور جنگزده در مدتی نسبتا اندک و به ضرب سرنیزه و با بکارگیری مستشاران زراعی آمریکایی به سرعت پیاده شده است. پافشاری نیروهای اشغالگر بر ممنوعیت استفاده از بذرهای بومی، سیاستی استعماری که عملا کشاورزان این کشورها را به شرکت های خارجی تولید بذر کاملا وابسته کرده است، برای هر اندیشمندی سؤال برانگیز است. برای اطلاع بیشتر در مورد دیگر ابعاد کشاورزی تحت اشغال در این دو کشور و سودجویی شرکت های خارجی تجارت غذا، آبیاری تحت فشار و تولید کنندگان بذرهای اصلاح شده نگاه کنید به گزارشی ویژه با عنوان «کشاورزی تحت اشغال: تجاری سازی کشاورزی و از بین بردن خودکفایی و امنیت غذایی در افغانستان و عراق» به آدرس اینترنتی:

[www.eabbassi.ir/iraqafganaq\\_abstract.pdf](http://www.eabbassi.ir/iraqafganaq_abstract.pdf) (دسترسی در 9/4/1390)

تحقیقاتی برای تربیت مروجین و کارشناسان موافق با عملکردهای جدید کشاورزی و چاپ و نشر مطالعات داخلی در تایید پژوهش های خارجی مرتبط با کشاورزی مکانیزه و شیمیایی.<sup>[27]</sup>

در 6 دهه ای که از معرفی، استقرار تدریجی و نهایتاً بلوغ این نهاد می گذرد، با تلاش پژوهشگران مستقل، جزئیات دقیقی از انگیزه های سیاسی بنیانگذاران این حرکت فراملیتی به دست آمده است. نقش اساسی بنیادهای مالی و صنعتی صاحب نفوذی چون بنیاد راکفلر و بنیاد فورد در آمریکا و مشارکت فنی و پژوهشی دانشگاه کرنل در آن کشور هم اکنون از معلومات مستند و عمومی ریشه های انقلاب سبز در جهان است.<sup>16</sup> بر اساس یافته های این پژوهشگران، اگر چه توجیه اولیه ایجاد این تحولات اقتصادی در پوشش انقلاب سبز مبارزه با گرسنگی و پیشگیری از گسترش کمونیسم پس از جنگ جهانی دوم اعلام شد، می توان استنباط کرد که هدف واقعی بنیانگذاران و مروجین جهانی این حرکت در واقع تضعیف امنیت غذایی در کشورهای بود که با اتکا به خودکفایی زراعی قادر بودند در برابر قدرت های غربی بایستند.<sup>17</sup> نظام خرده مالکی که جایگزین نظام های مشارکتی بومی شد هر یک از برزگران را تبدیل به مصرف کننده ای برای بذر، کود، سم، آب و تسهیلات بانکی نمود و ایشان را به جای اینکه متکی به یاریگری محلی باشند نیازمند به دولت مرکزی کرد. این تغییر بزرگ، راه را برای استقرار رقابت به جای مشارکت در بهره برداری از منابع طبیعی روستاها هموار ساخت و نهال نهاد فراملیتی کشاورزی که ارزش توسعه و ترقی را نه با هدف تامین امنیت غذایی جمعیت های محلی بلکه در راستای بهره کشی از منابع طبیعی در سراسر جهان برای صادرات و ایجاد رقابت بین کشورها برای تامین بازارهای جهانی (یعنی عرضه بهترین تولیدات کشاورزی به مصرف کنندگان غربی) تعریف می کند کاشته شد.

الگوی رفتاری خاص مبتنی بر رقابت میان کشاورزان محلی برای بهره برداری از منابع آب و خاک تنها یکی از الگوهای القا شده این نهاد تحمیلی بوده است. الگوهای رفتاری ویژه سیاستگذاران، مجریان و دانشگاهیان نیز تعریف شده است که رویارویی با این نهاد استکباری و مبارزه با فرهنگ رقابتی ناشی از آن را دشوار می کند. نفوذ باورهای ایجاد شده توسط این نهاد به قدری قوی است که غیر معقول بودن استفاده از بذرهای اصلاح شده (و اخیراً، بذرهای تراریخته) از نظر اقتصادی، و ناعادلانه بودن صادرات بهترین های محصولات کشاورزی کشورها به بازارهای جهانی کمتر مورد سؤال و بازنگری قرار می گیرد.

---

<sup>16</sup> اخیراً بنیاد راکفلر حرکت جدیدی را برای اشاعه بهره برداری رقابتی زراعی از منابع طبیعی در قاره آفریقا آغاز کرده است. در این رابطه نشریه ای از سوی این بنیاد منتشر شده که در آن به جزئیات نقش بنیاد راکفلر و فورد در پی ریزی انقلاب سبز و ترویج آن در جهان می پردازد. منبع:

*Rockefeller Foundation. 2006. Africa's Turn: A new Green Revolution for the 21<sup>st</sup> century. The Rockefeller Foundation.*

<sup>17</sup> با توجه بیشتر به شرایط سیاسی دنیا در سال های پس از جنگ جهانی دوم که شاهد پیروزی انقلاب چین در سال 1949 و حرکت های استقلال طلبانه و آزادیخواهانه در تمامی قاره ها، از جمله در آمریکای لاتین (کوبا)، آسیا (ویتنام و کامبوج)، آفریقا (لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، سودان و غنا) در دهه 1950 بود، انگیزه سیاسی آمریکاییان برای اشاعه کشاورزی شیمیایی و صنعتی روشن تر می شود. می دانیم که صنعتی سازی فرآیند تولید، در هر زمینه ای، از تعداد شاغلین در آن فرآیند می کاهد لذا حداقل نتیجه صنعتی سازی کشاورزی در این کشورها، همانطور که مهاجرت عظیم روستاییان به شهرها در نیم قرن اخیر نیز تایید می کند، حذف نفرت در تولید زراعی، کوچ روستاییان جویای کار به شهرها و نتیجتاً تضعیف جمعیتی روستاها، یعنی این تکیه گاه های نهضت های مردمی بود. به عبارت دیگر، خودکفایی غذایی در این کشورها با انگیزه های سلطه جویانه آمریکا در تضاد بود. ایجاد وابستگی از اصول سیاست خارجی آمریکاست که اینها از همان سال ها از هیوبرت هامفری، سناتور آمریکایی، خطاب به همقطاران خود نقل است: «ملت ها قبل از اینکه هر کار دیگری بکنند باید غذا بخورند... اگر شما به دنبال راهی هستید که ملت ها به ما تکیه کنند، وابسته باشند و نتیجتاً با ما همکاری کنند، به نظر من [ایجاد] وابستگی غذایی، ایده آل است.» شکی نیست که ایجاد وابستگی به واردات غذا یا نهاده های کشاورزی برای کشت و زرع، از انگیزه های سیاسی آمریکا برای اشاعه کشاورزی شیمیایی و تجاری در کشورهای دنبال رو بوده است. منبع:

*Newman, Bryan. 2007. A Bitter Harvest: Farmer suicide and the unforeseen social, environmental and economic impacts of the Green Revolution in Punjab, India. Oakland: Institute for Food and Development Policy, 9.*

نخبگان و مسئولان کشاورزی بر کشت بذرهای اصلاح شده اصرار می ورزند در صورتی که در عمل، بازده اقتصادی این بذرها در مقایسه با بذرهای بومی به مراتب پایین تر است.<sup>18</sup> از سوی دیگر، برنامه ریزان و سیاستگذاران کشورهای دنباله رو، با پیروی محض از آنچه از سوی سازمان های بین المللی، به ویژه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، مشاوران خارجی و متون تخصصی در مورد مزایای تجارت جهانی تکرار می شود، بدون توجه به موقعیت ضعیف خود در این نظام غربی سعی در افزایش صادرات دارند، حتی اگر این سیاست نادرست موجب تضعیف امنیت غذایی در کشور خودشان شود.<sup>19</sup> این رفتارهای

---

<sup>18</sup> نخستین بذرهای اصلاح شده با همکاری دانشگاه کرنل، مدرسه عالی کشاورزی در مکزیک (برای گندم) و کالج کشاورزی دانشگاه فیلپین (برای برنج) و پشتیبانی مالی بنیادهای راکفلر و فورد به وجود آمد. همزمان، از سال 1951 تا 1960 در کشور تایلند، با هدایت دانشگاه کرنل و به هزینه دولت آمریکا، کادری متشکل از 600 دانشجو به عنوان مروج و کارشناس استفاده از بذر اصلاح شده و کود شیمیایی تعلیم دیدند.<sup>[25]</sup> همچنین برای ایجاد شبکه ای جهانی برای پژوهش و ترویج بذرهای اصلاح شده سازمانی موسوم به سی جی آی ای آر با سرمایه گذاری هنگفت از سوی بانک جهانی و دولت های غربی به وجود آمد. منبع:

Holt Gime'nez, Eric. 2008. *Out of AGRA: The Green Revolution returns to Africa. Development 51 (4):464-471, 465.*

اما پس از گذشت چند دهه از کشت این به اصطلاح «بذرهای معجزه آسا»، تجربه کشاورزان نشان می دهد که بازده زراعی این بذرهای تابع میزان کود شیمیایی ای است که به خاک می دهند. یعنی، این بذرها بدون کود شیمیایی حاصل چندان نمی نهند. به عکس، بذرهای اصیل محلی، بی نیاز از کود شیمیایی، با کود حیوانی، محصول مطلوبی می دهند. از سوی دیگر، کود شیمیایی، به لحاظ ماهیت نمکی آن نیاز محصول به آب را بیشتر می کند و به لحاظ آبیاری بیشتر باعث رشد بیشتر علف های هرز و نتیجتاً نیاز بیشتر کشاورز به علف کش های شیمیایی می شود. لذا هزینه کشت در هر واحد سطح برای بذر اصلاح شده، به خاطر نیاز به آب بیشتر و ضرورت مصرف نهاده های شیمیایی، به مراتب بیشتر از کشت با بذرهای بومی است! لذا می بینیم که با ترویج بذرهای اصلاح شده (که هر ساله باید خریداری شود)، غرب به طوری مودبانه، بازاری بسیار گسترده برای کالاهای خود در سراسر جهان ایجاد کرده است. در مقابل به این فریب بزرگ، در بسیاری از نقاط دنیا، کشاورزان با احیا و کشت بذرهای بومی خود را از این کالاهای زائد و مخرب غرب بی نیاز کرده اند. برای اطلاع بیشتر در مورد عقلانیت اقتصادی کشاورزی با بذر بومی نگاه کنید به پژوهش میدانی «احیا و کشت قیاسی گندم بومی در دهستان خورهه».<sup>[33]</sup> یافته های مشابه مبنی بر برتری اقتصادی بذرهای بومی بر بذرهای اصلاح شده در کشور هند نیز مستند شده است.<sup>[3]</sup>

<sup>19</sup> بنا بر عقل سلیم، صادرات فقط زمانی ارزش محسوب می شود که مازاد تولید و مصرف داخلی به بازارهای خارجی صادر شود و نه بهترین های تولیدات داخلی و نه به قیمت کاهش سطح زیر کشت غذای مردم آن سرزمین (مثل غله و حبوبات) برای تامین بازارهای خارجی. بحران گرانی غذا که هم اکنون سیطره جهانی یافته است، برخاسته از تسلط تجارت جهانی بر تولید کشاورزی با همکاری و هماهنگی سیاستگذاران در کشورهای دنباله رو است. منبع:

Patnaik, Utsa. 2009. *Origins of food crisis in India and other developing countries. Monthly Review 61 (3).*

همچنین شاهدیم که تجارت محصولات کشاورزی، تاثیری توری بر قیمت کالاها و اثری منفی بر تولید در داخل کشور دارد. از آنجاییکه قدرت خرید مصرف کنندگان در کشورهای دنباله رو از قدرت خرید مصرف کنندگان در بازارهای غرب کمتر است، به تدریج محصولات بومی کشورها از سبد غذایی همان مردمی که این محصولات را تولید کرده اند حذف می شود. قیمت گزاف زعفران، انواع مغزیجات و برنج ایرانی از مصادیق کنونی رخداد این پدیده در ایران است. جالب توجه اینکه با افزایش قیمت ها، دولت ها خود را موظف می دانند که برای تنظیم بازار اقدام به صدور مجوز برای واردات کنند که عملاً به دلسردی تولیدکنندگان داخلی می انجامد. این چرخه زیانبار اقتصادی ناشی از صادرات تورم زا و واردات تولید زدا اتفاقی نیست بلکه ناشی از باورهای ارزشی نهاد فراملیتی کشاورزی است که برنامه ریزان، سیاستگذاران و مسئولان دولت ها را با این الگوی رفتاری مطلوب غرب همسو کرده است. اطلاعات بیشتر در مورد ریشه های استعماری و نتایج غیر عادلانه این الگوی رفتاری و تلاش غرب در ایجاد مزرعه جهانی برای کسب سود هر چه بیشتر از زراعت در کشورهای فقیر و فروش این محصولات در بازارهای کشورهای ثروتمند به منبع شماره 11 نگاه کنید. و برای مطالعه جزئیات نهاد تجارت جهانی و جایگاه زیر دستی کشورهای دنباله رو در این نظام، مطالعه منابع زیر سودمند است.

Korten, David C. 2001. *When Corporations Rule the World, 2<sup>nd</sup> ed. Bloomfield: Kumarian Press.*

Wallach, Lori and Patrick Woodall. 2004. *Whose Trade Organization?: A Comprehensive Guide to the WTO. New York: New Press.*

غیر معقول، مصادیقی بارز از ارزش‌هایی است که گیدنز، نهادشناس غربی، در تجزیه و تحلیل نهادها با عبارت «دانش مشترک» از آن نام می‌برد که در تضاد با «عقل سلیم» قرار می‌گیرد و رفتار غیر معقول سیاستگذاران در پافشاری بر کشت بذرها اصلاح شده و کشاورزی صادراتی را منطقی و ادامه آنها را توجیه‌پذیر جلوه می‌دهد. (بخش 2)

##### 5- انتخاب آگاهانه الگوهای رفتاری معقول: بستر سازی برای نهادسازی بومی

تجربه موفق غرب در جایگزین کردن نهادهای کهن مشارکتی با نهادی جدید مبتنی بر رقابت و تشویق صادرات و واردات غذا به منظور تدوام بهره‌کشی استعماری از منابع طبیعی و انسانی کشورهای پیش‌مستعمره نشان می‌دهد که نهادها هر چقدر ریشه دار، گسترده یا قوی باشند، می‌توان آنها را با هوشیاری تغییر داد. نهاد فراملیتی کشاورزی طراحی شده از سوی غرب از این قاعده مستثنی نیست. در اصلاح شرایط نامطلوب موجود در روستاها و دستیابی به پیشرفت واقعی باید وجود این نهاد وارداتی و تاثیر سیستمی و استعماری آن را دریابیم و آگاهانه الگوهای رفتاری خاص آن را تغییر دهیم. در واقع، تلاش کنونی در کشور ما برای تبیین الگوی بومی پیشرفت<sup>[28]</sup> فرصتی ارزشمند برای ارزیابی عدالت اجتماعی و مصلحت نظام در همه نهادهای غیر بومی به وجود آورده است. با بررسی نهادشناختی مسایل کشور می‌توان در جمیع حوزه‌ها به شناسایی نهادهای زیانبار و الگوهای رفتاری غیر معقول آنها از یک سو و از سوی دیگر به پی‌ریزی نهادهای عادلانه و بومی جایگزین با الگوهای رفتاری معقول و سازنده همت گماشت.

در راستای شناسایی و مقابله با الگوهای رفتاری نامعقول مرتبط با نهاد رقابتی کشاورزی، یافته‌های پژوهشی و راهکارهای عملی تدوین شده در ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی دهستان خورهه (1380-1377)<sup>[29]</sup> مقدمات پی‌ریزی نهادی بومی برای احیای مدیریت مشارکتی در روستاها در ایران را به وجود آورده است. تجربه تحقیقاتی و اجرایی خورهه نشان داد که از طریق تقویت توانمندی‌های اجتماعی و فکری روستاییان، راه برای رشد و تکامل اندام وار نهادی بومی که متناسب با نیازها و استعدادهای توسعه کشاورزی امروز ایران باشد فراهم می‌آید. در روستای خورهه، با حمایت مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی و معاونت ترویج جهاد سازندگی، فعالان محلی و پژوهشگر سازمانی مستقر در روستا توانستند با مطالعه شیوه‌های مدیریت مشارکتی سنتی و دانش بومی کشاورزی منطقه، بستر اجتماعی و علمی مساعد برای شکوفایی اقتصادی این روستا را فراهم کنند. دستاوردهای علمی و عملی این طرح، مهارت‌های لازم برای تسهیل و تکرار همین حرکت در دیگر روستاهای کشور را تبیین نموده است.

گام اول در این رویکرد بومی به پیشرفت روستا، انتخاب آگاهانه دست‌اندرکاران دولتی و غیر دولتی این طرح در اجتناب از الگوهای رفتاری خاص تعریف شده برای خود بود. مرکز تحقیقات روستایی آگاهانه انتخاب کرد که اهالی خورهه را به عنوان همکاران پژوهشی خود بپذیرد و فقط به استناد به تحقیقات دانشگاهی منتشر شده در نشریات علمی داخلی و خارجی اکتفا نکند.<sup>[30]</sup> معاونت ترویج جهاد سازندگی نیز پذیرفت که به جای اشاعه دولت‌سالارانه نهادها و روش‌هایی که در متون کلاسیک ترویج و منتشرات سازمان‌های بین‌المللی مرتبط چون فائو، برای توسعه روستایی سفارش شده است، ترویج آنچه در محل و از طریق پژوهش محلی به دست می‌آید را بخشی از وظایف حرفه‌ای خود بشناسد.<sup>[31]</sup> ادارات ترویج در استان (مرکزی) و شهرستان (محلات) نیز موافقت کردند که خدمات ترویجی خود را با آنچه بهره‌برداران تقاضا می‌کنند هماهنگ سازند. اهالی روستای خورهه نیز پذیرفتند که بر خلاف الگوی رفتاری معمول خویش (یعنی اتکا به خدمات دولتی برای حل مسایل روستا)، به توان‌های بالقوه و فرصت‌های موجود در روستا و مشارکت با یکدیگر در بهره‌برداری از منابع محلی توجه بیشتری کنند. و به همین منظور، با همکاری چندی از ریش‌سفیدان و گیس‌سفیدان دهستان، گروهی مشورتی از خبرگان محلی، موسوم به «هیئت مشاوران فنی» ایستگاه تحقیقاتی، تشکیل شد.<sup>[32]</sup>

با این گام قاطعانه در کنار گذاشتن الگوهای رفتاری خاص تعریف شده در نهاد فراملیتی کشاورزی، راه برای گام دوم، یعنی انجام پژوهش‌های میدانی با مشارکت اهالی هموار شد. یکی از القائات نهاد تحمیلی، «محرومت» روستاییان و «نیازمند» بودن

کشاورزان به دانش و نهاده های خارج از محیط روستاست. پژوهش های محلی زیر اهالی خورده را نسبت به دارایی ها و توانایی های خود آگاه تر ساخت و نتیجتاً از احساس محرومیت و نیازمندی ایشان کاست.

● پژوهش دانش بومی کشاورزی و دامداری - شامل احیای گندم بومی منطقه و کشت قیاسی آن با گندم اصلاح شده و اثبات عینی برتری اقتصادی گندم بومی بر گندم اصلاح شده،<sup>[33]</sup> احیای مرغداری بومی و تجربه موفقیت آمیز ماکیان داری در جایگاه های سنتی با کمترین هزینه برای تولید گوشت و تخم مرغ سالم (بدون آلودگی به مواد شیمیایی و داروها)،<sup>[34]</sup> و احیای شیوه های محلی کم هزینه و غیر شیمیایی مبارزه با آفات نباتی و دامی،<sup>[35]</sup> به منظور کاهش هزینه های تولید، اصلاح الگوی مصرف در بهره برداری از منابع، تولید محصولات سالم، و افزایش درآمد تولیدکننده.

● پژوهش در منابع و فرصت های محلی برای نوآوری در حل مسایل - گردآوری اطلاعات در مورد منابع، امکانات و فرصت های محلی برای کاستن از احساس محرومیت روستاییان و تسهیل هم اندیشی و همکاری بین اهالی در جهت نوآوری در حل مسایل محلی از جمله بیکاری و کمی درآمد.

● پژوهش و کسب تجربه در تولید و فروش - کسب تجربه در فعالیت های تولیدی به جوانان خورده فرصت داد تا مزایای تمرکز بر کیفیت بالا، تنوع در تولید، ارزش افزوده، و تولید برای بازار محلی و داخلی را عمیقاً درک کنند. ایشان در عمل دریافته اند که با کنار گذاشتن هدف تولید برای صادرات، و به جای آن، توجه به تولید محصولات سالم (محصولات عاری از مواد شیمیایی) برای مصرف داخلی می توان از سرمایه گذاری های کلان و گرفتن وام بی نیاز شد و با فعالیت های تولیدی کوچک و متنوع و با سرمایه گذاری های بسیار اندک، درآمدی مناسب و رو به رشد داشت.<sup>20</sup>

● پژوهش رسومات اجتماعی پیشگیری از اختلاف و روش های حل اختلاف - برای گذار از شعار مشارکت و تحقق فرهنگ مشارکت و مدیریت مشارکتی در جامعه، احیای رسم ها و شیوه های متنوع بومی برای پیشگیری از اختلاف و حل آن ضروری است. پژوهش و استفاده از سنت های دیرینه برای تقویت دوستی و آشتی در جامعه، کاربرد روش تصمیم گیری گروهی با اجماع (نه رای گیری)، و کاربست مهارت های اجتماعی برای پادرمیانی و میانجیگری برای حل اختلاف، از حوزه های تحقیقاتی و عملی برجسته طرح خورده محسوب می شود.

به زبان علم نهادشناسی، تجاربی که با فاصله گرفتن از الگوهای رفتاری پیشین در روستای خورده میسر شد برای اهالی روستا، به ویژه جوانان، «دانش مشترک» جدیدی که شامل نکات زیر است را به ارمغان آورد: 1) دانش بومی، دانشی تجربی، علمی و زمان آزموده است که اگرچه نانوشته مانده، از لحاظ اقتصادی و زیست محیطی ارزشمند است و باید آن را جست و به کار بست، 2) مشکلات همه جا هست و هر مشکلی فرصتی است برای نوآوری و یادگیری، فرصتی برای رشد فردی و اجتماعی، 3) خدمت به جامعه یعنی خدمت به خود. مشخصاً، تولید با کیفیت بالا برای مصرف محلی و داخلی یعنی ایجاد بازاری مطمئن برای تولیدات سالم محلی که در برابر تاثیر نامطلوب واردات کالاهای عموماً نامرغوب خارجی مصون است، 4) روستا کانون تولید است. بدون تولید، روستا از هم می پاشد، 5) استمرار کانون های تولید بدون مدیریت ممکن نیست و مدیریت موفقیت

---

<sup>20</sup> قبل از آغاز طرح خورده، تخم مرغ محلی تازه در شهرستان محلات یافت نمی شد. حتی در خورده، کلیه تخم مرغ مصرفی روستا از بیرون از ده تامین می شد. پرورش مرغ بومی در خورده برای تولید گوشت مرغ و تخم مرغ سالم تحولی وسیع در منطقه به وجود آورد. یکی اینکه امروزه تخم مرغ محلی تازه در اکثر خواربار فروشی های شهرستان موجود است. دوم اینکه، تولید تخم مرغ محلی یکی از سودآور ترین تولیدات روستایی، نه تنها در خورده، بلکه در دیگر روستاهای شهرستان (و حتی استان) محسوب می شود. مسلماً، با این تحول، مصرف کنندگان منطقه به تغذیه برتر، و مردم شهرستان به خودکفایی غذایی بیشتر نزدیک تر شده اند. تعمیم این نمونه به تولید و مصرف محلی دیگر مواد خوراکی و ترویج آن در دیگر شهرستان های کشور کاملاً عملی و از مصادیق روشن کارآیی راهبرد توسعه محلی برای کارآفرینی در سطح بسیار وسیع با کمترین سرمایه و تامین امنیت غذایی و سلامت بیشتر جامعه در سراسر کشور است. برای اطلاع بیشتر در مورد مفهوم توسعه محلی و تفاوت آن با الگوی غربی توسعه که به جای این ارزش ها (یعنی امنیت غذایی و سلامت مردم) بیشتر بر بهره کشی از جوامع محلی برای تامین بازارهای جهانی تاکید دارد نگاه کنید به: «توسعه محلی و اصلاح الگوی مصرف» به آدرس

اینترنتی: [www.eabbassi.ir/articlesandlinks2.htm](http://www.eabbassi.ir/articlesandlinks2.htm) (دسترسی در 9/4/1390)

آمیز روستا یعنی مدیریت مشارکتی توسط فعالان اقتصادی همان روستا، (6) نوآوری، استعدادی مادرزادی نیست بلکه مهارتی آموختنی است، و مهم تر از همه (7) محروم کسی است که از دارایی ها و فرصت های محیط خود غافل بماند.

مظاهر تبلور این دیدگاه خودباورانه گام سوم این حرکت بود که توسط اهالی برداشته شد، چنان جهشی چشمگیر در احیای اقتصادی خورهه و مشارکت اهالی در حل مسایل<sup>21</sup> که صاحب نظران توسعه روستایی و دیگر بازدیدکنندگان طرح خورهه را به بیان این نظرات واداشت: «سلام به مردم عزیز خورهه، سلام به طراحان طرح خورهه، سلام بر مجریان طرح خورهه، که در این طرح، برکت مردم سالاری به نمایش گذاشته شده است.»<sup>22</sup> «میدوارم که این حرکت که با همت اهالی خورهه و کلیه کارگزاران دولتی منطقه آغاز شده بتواند نقطه ختمی بر تجارب ناموفق مدیریت های یکسویه و آمرانه در مدیریت روستاها باشد.»<sup>23</sup> «مردم خورهه با کمترین منابع و امکانات، موفقیت های چشمگیری به دست آورده اند. دستاوردهای حاصله حاوی درس ها و تجارب خوبی در زمینه ترویج مشارکتی است.»<sup>24</sup> «تجربه گرانقدر حاصل از حرکت در مسیر توسعه اجتماعی در دهستان خورهه بسیار جالب بود و به عنوان یکی از روزهای پرثمر زندگی در ذهنم جای گرفت.»<sup>25</sup> «آنچه در اینجا (خورهه) دیدیم همه ما را شگفت زده کرد. دیدیم که چگونه انسان هایی خدمتگزار، بدون هر گونه تظاهر و ادعا، دست به دست هم داده اند و در راه سازندگی واقعی و توسعه پایدار، کمر همت بسته اند. با دیدن این تحولات... خود و ورزشمان را فراموش کردیم... این افتخاری است که با صعود به هیچ قله بلندی قابل قیاس نیست.»<sup>26</sup>

## 6- نتیجه گیری

مسایلی جهانی مرتبط با کشاورزی و توسعه روستایی، از جمله مهاجرت روستائینان به شهرها، آلودگی و نابودی آب های زیرزمینی، فرسایش خاک و گرانی بی سابقه غذا، به رغم تفاوت در پیشینه دینی و فرهنگی و استقلال سیاسی کشورها، عمومیت دارد و از نتایج استقرار نهادی فراملیتی است که از طریق معرفی هدفمندانه اصلاحات ارضی و انقلاب سبز در کشورهای جهان از سوی غرب پی ریزی شده و تداوم یافته است. الگوهای رفتاری خاص این نهاد، که بر اساس رقابت بین روستائیان در بهره برداری از منابع طبیعی و رقابت بین دولت ها در صادرات و تامین کالاهای مورد نیاز بازارهای جهانی استوار است، نهادهای مشارکتی و کارآمد برای تولید زراعی، تامین امنیت غذایی و بهره برداری پایدار از منابع در جوامع را از میان برده است. تا زمانی که این نهاد تحمیلی غرب در کشورها پابرجاست، سیاستگذاری های مقطعی و جزیره ای قادر به حل مسایل نامبرده نیست.

در مقام چاره جویی برای جبران خسارات ناشی از این نهاد، بزرگترین درس طرح پژوهش مشارکتی خورهه در ایران این بوده است که با شناخت دقیق نهادهای تحمیلی و وارداتی می توان از تاثیر آنها بر جوامع کاست و به ایجاد بستر اجتماعی و علمی لازم برای رشد و تکامل نهادهای بومی مناسب برای عصر حاضر همت گماشت. روستای خورهه، با برخورداری از تصمیم آگاهانه ادارات ذیربط و اهالی روستا مبنی بر ضرورت تغییر الگوهای رفتاری متداول، توانست از دیدگاه محرومیت و رقابت های فردی فاصله گیرد و توانمندی هایی چون مدیریت مشارکتی از طریق تصمیم گیری گروهی با اجماع،<sup>27</sup> کارآفرینی با سرمایه

<sup>21</sup> توصیف جزئیات شکوفایی اقتصادی روستای خورهه در صفحات مرتبط با پژوهش مشارکتی سایت در خدمت اصلاح الگوی مصرف آمده است. [www.eabbassi.ir/participatoryactionresearchcasestudy\\_thevillage.htm](http://www.eabbassi.ir/participatoryactionresearchcasestudy_thevillage.htm) (دسترسی در 9/4/1390)

<sup>22</sup> محمد سعیدی کیا، وزیر جهاد سازندگی. دفتر یادبود ایستگاه تحقیقاتی خورهه، 4 اردیبهشت 1379.

<sup>23</sup> محمد حسین عمادی، معاون ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی. دفتر یادبود ایستگاه تحقیقاتی خورهه، 20 اسفند 1377.

<sup>24</sup> کلیم قمر، کارشناس ارشد سازمان خواربار جهانی. دفتر یادبود ایستگاه تحقیقاتی خورهه، 11 خرداد 1380.

<sup>25</sup> غلامرضا خراشادیزاده، رییس اداره ترویج جهاد سازندگی استان خراسان. دفتر یادبود ایستگاه تحقیقاتی خورهه، 28 آبان 1378.

<sup>26</sup> گروهی از کوهنوردان تهران که در مسیر صعود به کوه های منطقه به طور اتفاقی از خورهه می گذشتند. دفتر یادبود ایستگاه تحقیقاتی خورهه، 16 اسفند 1379.

<sup>27</sup> روش تصمیم گیری مشارکتی از طریق اجماع، که عامل کلیدی موفقیت فرهنگ مشارکت در خورهه محسوب می شود، جایگزینی مؤثر

بسیار اندک از طریق تولید محصولات سالم و متنوع برای مصرف محلی و داخلی، نوآوری جمعی در حل مسایل با تکیه بر منابع و دانش محلی، وحدت انگیزه در ده و نتیجتاً شکوفایی اقتصادی کل روستا را تجربه کند. همچنین، فعالان محلی و پژوهشگر سازمانی در تجربه خورده توانستند با انجام پژوهش مستقل<sup>28</sup> از ابهام های مرتبط با نهاد تحمیلی کنونی کشاورزی، مشخصاً نادرستی باور برتری اقتصادی بذرهای اصلاح شده، پرده بردارند و افق های جدیدی برای پژوهش و ترویج کشاورزی و برنامه ریزی روستایی در کشور بکشایند. این دستاوردهای پژوهشی/عملی، خورده را به عنوان الگویی الهام بخش از خودباوری فرهنگی و اقتدار علمی مطرح ساخت. از این رو، روشی که برای زدودن دیدگاه محرومیت و تسهیل رفتارهای مشارکتی در این روستا به دست آمد به درخواست معاونت ترویج جهاد کشاورزی به صورت کارگاهی آموزشی برای آموزش «تسهیلگران محلی» در دیگر روستاهای کشور تدوین شد و در چهار استان، از جمله استان خراسان، با نتایج امیدوار کننده اجرا گردید.<sup>[36]</sup> تسهیلگر محلی کسی است که نقش هماهنگ کننده اهالی یک روستا برای دستیابی به مدیریت مشارکتی امور (یعنی تصمیم گیری گروهی از طریق اجماع و اجرای تصمیمات، با همکاری کلیه افراد ذینفع) را بر عهده می گیرد.

یافته ها و تجربیات طرح خورده و موفقیت تسهیلگران محلی آموزش دیده در دیگر روستاها فرصت های جدیدی برای برنامه ریزی روستایی در کشور ما به وجود آورده است. یکی اینکه شناخت ریشه ای مسایل روستایی از طریق نهادشناسی و درک بهتر بستر رقابتی اجتماعی- اقتصادی کنونی در این واحدهای جمعیتی، به برنامه ریزان کشور کمک می کند که به نقش کلیدی فرهنگ مشارکت برای شکوفایی اقتصادی روستا، بهره برداری پایدار از منابع طبیعی و تامین امنیت غذایی در کشور عمیقاً پی ببرند و نتیجتاً از طرح ها و سیاست هایی که به تشدید رقابت بین ساکنین می انجامد بپرهیزند. دیگر اینکه، مهارت های ارتباطی و فکری شناسایی شده در طرح خورده و کارگاه مدونی که برای آموزش تسهیلگران محلی در سطحی گسترده به وجود آمده تکنولوژی و مواد آموزشی مورد نیاز برای توانمندسازی اهالی هر روستا به منظور به دست گرفتن مدیریت مشارکتی امور روستای خود را فراهم کرده است.

از پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز ساختارهایی به منظور تسهیل مدیریت محلی، مشخصاً در قالب شوراهای اسلامی و دهیاری ها، با نیت اجرای نظام مند طرح های دولتی و بهبود کیفیت زندگی روستاییان به وجود آمده است<sup>[37]</sup> اما به دلیلی که در بالا تشریح شد، به طور کلی، این ساختارها در دستیابی به مدیریت مشارکتی محلی ناکام مانده اند. لذا با استناد به تجربه خورده و عملکرد موفقیت آمیز آن، پیشنهاد می شود که به منظور ایجاد بستر اجتماعی و علمی مطلوب برای نهادینه کردن مدیریت مشارکتی توسط این ساختارها در کلیه روستاهای کشور از دستاوردهای مهارتی و پژوهشی خورده استفاده گردد. مشخصاً توصیه می شود که: 1) به دهیاران مهارت هایی چون «تصمیم گیری گروهی با اجماع» و «پادرمیانی و میانجیگری برای حل اختلاف» آموزش داده شود. با کاربست این مهارت ها در روستا، دهیاران می توانند به عنوان «تسهیلگر محلی» ایفای نقش کنند و به تدریج زمینه مناسب برای ایجاد وحدت انگیزه در اهالی را به وجود آورند. 2) مطابق با بند «ک» ماده 68 قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور،<sup>[38]</sup> که بر وظیفه شوراهای اسلامی به «ایجاد زمینه مناسب و جلب

---

برای روش تصمیم گیری از طریق بحث و جدل و رای گیری است که امروزه در جلسات سازمانی در ادارات و شرکت ها نیز متداول است. این روش از جمله روش های زمان آزموده و کهن دنیاست که امروزه به لحاظ کارایی آن در ایجاد وفاق و همدلی بین افراد، مورد توجه علاقمندان مدیریت مشارکتی در دنیا قرار گرفته است. برای مطالعه بیشتر در مورد مدیریت مشارکتی و کاربرد روش های تصمیم گیری غیر از روش رای گیری برای کارایی بیشتر در گروه ها و سازمان ها به کتاب و آدرس اینترنتی زیر مراجعه کنید:

*Kahnweiler, William M. 1991. A review of the participatory management literature: Implications for HRD research and practice. Human Resource Development Quarterly 2 (3): 229-250.*

[www.eabbassi.ir/consenfacilreadings.htm](http://www.eabbassi.ir/consenfacilreadings.htm) (دسترسی در 9/4/1390)

<sup>28</sup> پژوهش وقتی مستقل است که محقق با بی طرفی کامل و بدون پذیرفتن پیش فرض ها و استانداردهای خارجی حاکم در حوزه علمی خود به مطالعات میدانی یا آزمایشگاهی بپردازد. محققین مستقل هرگز مرعوب متون موجود در حوزه پژوهشی خود نمی شوند و یافته های علمی خود که مشخصاً تجربه می کنند را می پذیرند. منبع:

[www.eabbassi.ir/independentresearchintro.htm](http://www.eabbassi.ir/independentresearchintro.htm) (دسترسی در 9/4/1390)

مشارکت مردمی در جهت فعالیت های تولیدی وزارتخانه ها و سازمان های دولتی» اشاره می کند، شوراها به ایجاد «هیئت مشاوران فنی روستا» متشکل از پیران زن و مرد ده به منظور دستیابی به ذخیره محلی دانش بومی و شناسایی دیگر امکانات و منابع محلی خود اقدام کنند. (3) بازار مطمئن برای تولیدکنندگان خرد روستا با راه اندازی بازارهای روز، بازارهای محلی یا برپایی غرفه های محصولات سالم در مرکز شهرستان ها و استان ها تامین شود.<sup>29</sup> بندهای متعددی در قانون شوراها (مشخصاً ماده 68، بندهای ب، و، ف و ماده 70، بند 2 و 8)، زمینه قانونی مشارکت شوراها را در بخش از یک سو و ادارات دولتی ذیربط در سطح بخش، شهر، شهرستان و استان از سوی دیگر را در این راستا فراهم کرده است. ضمناً، در راستای اهداف نظام جمهوری اسلامی در راستای ارتقاء سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری های موجود بین جامعه روستایی و جامعه شهری، در بند ب ماده 194 قانون برنامه پنجم توسعه بر «ایجاد و توسعه بازارهای محلی» تاکید شده است. به جرات می توان گفت که ایجاد چنین مجراهای مناسب و مطمئن به منظور عرضه تولید- به- مصرف محصولات محلی، مهم ترین تغییر اقتصادی ای است که به تدریج به پا گفتن و استحکام نهادی بومی برای رشد مستمر اقتصادی در روستاهای کشور خواهد انجامید.

به طور خلاصه، پیشنهادات فوق، تکرار تجربه موفق خوره را در سراسر کشور امکانپذیر می سازد. این تحولات فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی ظهور تدریجی الگوهای رفتاری متناسب با نیازهای کنونی کشور برای دستیابی به کارآفرینی در سطحی بسیار وسیع، امنیت غذایی، بالندگی اقتصادی در روستاها و حفاظت از منابع طبیعی را کلید خواهد زد و زمینه نهادینه شدن مدیریت مشارکتی در روستاها را فراهم خواهد ساخت. احیای مدیریت مشارکتی در روستاهای کشور ما، امروز بیش از هر زمانی در نیم قرن اخیر، عملی، ضروری و مطلوب است: عملی است، چرا که ایرانیان چالش تبیین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت (یعنی تعیین ویژگی های الگوی بومی پیشرفت در مقابل توسعه از نوع غربی) را پذیرفته اند و این حرکت فکری گرانسنگ فرصت بی سابقه بررسی نهادشناختی و موشکافانه وضعیت موجود در تمامی حوزه های فنی و اجتماعی، از جمله کشاورزی، را فراهم ساخته است. ضروری است، چون لطمات ناشی از الگوی غربی توسعه در حوزه کشاورزی، که به شکل بهره برداری نابرابر و ویرانگر از منابع طبیعی و گرانی بی سابقه غذا متبلور شده، عادلانه نیست و لذا با اخلاق و آموزه های اسلامی در تضاد است. و مطلوب است، چون نوآوری های ایرانیان در احیای مدیریت مشارکتی در روستاها، کشور ما را در عرصه علمی و سیاسی جهان به عنوان پیشگامی الگوساز و موفق در تقابل با نهاد تحمیلی کنونی و معکوس کردن پیامدهای نامطلوب آن مطرح خواهد کرد.

## تشکر و قدردانی

جرات در نوآوری و تلاش پیگیر از ملزومات جایگزینی نهادهای توسعه از نوع غربی است. از اهالی روستای خوره، مهاجران خوره ساکن تهران و کلیه دست اندرکاران دولتی طرح خوره برای جرات و تلاش بی دریغ ایشان سپاسگزاری می کنم.

اطلاعات مندرج در این مقاله از طریق پژوهش جامع گردآوری شده است. برای درخواست انجام پژوهش جامع جهت چاپ در نشریات

پژوهشی و شرکت در همایش های علمی با ما تماس بگیرید.

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

---

<sup>29</sup> در طرح خوره، بازار مطلوب برای محصولات سالم این روستا با اطلاع رسانی به مهاجران خوره ای های مقیم تهران و برخی از دانشگاهیان و کارمندان وزارت جهاد سازندگی که از ارزش غذایی و بهداشتی محصولات خوراکی عاری از مواد شیمیایی آگاه بودند تامین شد.



## منابع

- <sup>1</sup> Altieri, Miguel A. 2000. *Ecological impacts of industrial agriculture and the possibilities for truly sustainable farming*. [http://www.cnr.berkeley.edu/~christos/espm118/articles/modern\\_agriculture.html](http://www.cnr.berkeley.edu/~christos/espm118/articles/modern_agriculture.html) (accessed 4 July 2011)
- <sup>2</sup> Gliessman, Stephen R. 1998. *Agroecology: Ecological processes in sustainable agriculture*. Chelsea: Ann Arbor Press.
- <sup>3</sup> Shiva, Vandana. 1991. *The Violence of the Green Revolution*. London: Zed Books Ltd.
- <sup>4</sup> پاپلی یزدی، محمد حسین و مفید شاطری. 1383. سنت مدرنیته: اثرات اجتماعی - زیست محیطی چاه های عمیق و نیمه عمیق. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، 75: 129-151.
- <sup>5</sup> Pimentel, David and Marcia Pimentel. 1990. *Comment: Adverse environmental consequences of the Green Revolution*. *Population and Development Review* 16: 329-332.
- <sup>6</sup> Pearse, Andrew. 1980. *Seeds of Plenty, Seeds of Want: Social and economic implications of the Green Revolution*. Oxford: Clarendon Press.
- <sup>7</sup> Singh, R.B. 2000. *Environmental Consequences of Agricultural Development: A case study from the Green Revolution state of Haryana, India*. *Agriculture, Ecosystems and Environment* 82: 97-103.
- <sup>8</sup> Anup Shah. 2008. *Global food crisis*. <http://www.globalissues.org/article/758/global-food-crisis-2008> (accessed 12 June 2011)
- <sup>9</sup> Frankel, Francine R. 1973. *Politics of the Green Revolution: Shifting peasant participation in India and Pakistan*, in *Food, population, employment: The impact of the Green Revolution*. New York: Praeger.
- <sup>10</sup> فرهادی، مرتضی. 1368. انهدام منابع سنتی آب و پیامدهای ناشی از آن. جهاد، 115 و 116.
- <sup>11</sup> Lappe, Frances Moore, Joseph Collins, and Carry Fowler. 1978. *Food First: Beyond the myth of scarcity*. New York: Ballentine.
- <sup>12</sup> Turner, Jonathan. 1997. *The Institutional Order*. New York: Longman, p.6 quoted in "Social Institutions" *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. 2007. <http://plato.stanford.edu/entries/social-institutions> (accessed 21 Jan. 2011).
- <sup>13</sup> Giddens, Anthony. 1984. *The Constitution of Society: Outline of the theory of structuration*. Cambridge: Polity Press.
- <sup>14</sup> Korten, David C. 2010. *The EU and the New Economy*. (The revised and expanded version of a presentation delivered to the EU Club of Rome on January 26, 2010) <http://livingeconomiesforum.org/EU-and-the-new-economy> (accessed 18 January 2011).
- <sup>15</sup> Chang, Ha-Joon. 2007. *Stranger than fiction? Understanding institutional changes*. *Policy Brief* 6: 2-7, 7.
- <sup>16</sup> صفی نژاد، جواد. 1353. بنه (نظام های تولید زراعی جمعی قبل و بعد از اصلاحات ارضی). تهران: توس.
- <sup>17</sup> فرهادی، مرتضی. 1388. انسان شناسی یاریگری. تهران: ثالث.
- <sup>18</sup> فرهادی، مرتضی. 1373. فرهنگ یاریگری در ایران: درآمدی به مردم شناسی و جامعه شناسی تعاون. جلد اول: یاریگری سنتی در آبیاری و کشتکاری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- <sup>19</sup> فرهادی، مرتضی. 1380. واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی.
- <sup>20</sup> ازکیا، مصطفی. 1370. جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی در ایران. تهران: انتشارات اطلاعات، 98.
- <sup>21</sup> فرهادی. 1373، 252.
- <sup>22</sup> فرهادی. همان، 266.
- <sup>23</sup> Hooglund, Eric J. *Land and Revolution in Iran, 1960-1980*. Austin: University of Texas Press, 26.
- <sup>24</sup> *Ibid.*
- <sup>25</sup> Fowler, Cary and Pat Mooney. *Shattering: Food, Politics, and the Loss of Genetic Diversity*. Tucson: The University of Arizona Press, 1990, 56.
- <sup>26</sup> ازکیا. 1370، 112.
- <sup>27</sup> Chang, Ha-Joon. 2009. *Rethinking public policy in agriculture: lessons from history, distant and recent*. *Journal of Peasant Studies* 36 (3):477-515.
- <sup>28</sup> مقام معظم رهبری. 1389. بیانات در نخستین نشست اندیشه های راهبردی: الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. 10 آذرماه.

- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664> (دسترسی در 9/4/1390).
- <sup>29</sup> مراکز پژوهشی: آشنایی با ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی خورهه. 1378. نمایه پژوهش (3) و 11: 130-132.
- <sup>30</sup> عمادی، محمد حسین و اسفندیار عباسی. 1383. نقش دانش بومی در فرآیند توسعه محلی: درس هایی از یک تجربه میدانی. در دانش بومی و توسعه پایدار: چاره ها و چالش ها، گردآوری و تالیف محمد حسین عمادی و اسفندیار عباسی، 57-37. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، وزارت جهاد کشاورزی.
- <sup>31</sup> عمادی، محمد حسین. 1380. پژوهش محلی، سیاستگذاری ملی: ترویج مؤثر با تسهیلگری. دانش بومی و توسعه (گاهنامه علمی - فرهنگی ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی) (1) 4-3: 1
- <sup>32</sup> سیمای روستا. 1378. دانش بومی و توسعه (گاهنامه علمی - فرهنگی ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی) (1) 1: 4
- <sup>33</sup> عباسی، اسفندیار. احیا و کشت قیاسی گندم بومی در دهستان خورهه، سایت در خدمت اصلاح الگوی مصرف. [www.eabbassi.ir/independentresearchkhorheexperiment.htm](http://www.eabbassi.ir/independentresearchkhorheexperiment.htm) (دسترسی در 9/4/1390).
- <sup>34</sup> عباسی، اسفندیار. پژوهش مشارکتی: اشتغال و درآمد محلی با مرغ بومی، سایت در خدمت اصلاح الگوی مصرف. [www.eabbassi.ir/participatoryactionresearchcasestudy\\_theresultsjobsincome.htm](http://www.eabbassi.ir/participatoryactionresearchcasestudy_theresultsjobsincome.htm) (دسترسی در 9/4/1390).
- <sup>35</sup> عباسی، اسفندیار. خدمات اطلاع رسانی برای کنترل آفات بدون سموم شیمیایی، سایت در خدمت اصلاح الگوی مصرف. [www.eabbassi.ir/indigenouknowledgemarketingerviceindconsultorganicpestcontrol.htm](http://www.eabbassi.ir/indigenouknowledgemarketingerviceindconsultorganicpestcontrol.htm) (دسترسی در 9/4/1390).
- <sup>36</sup> عباسی، اسفندیار. 1381. آموزشی که مردودی ندارد. (کاربرد تسهیلگری در توسعه روستایی). سنبله، 121 و 122.
- <sup>37</sup> اجلالی، پرویز. 1381. الگوی مدیریت سرزمین ایرانی و تمرکززدایی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی. 175-176: 197-172.
- <sup>38</sup> قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و انتخاب شهرداران. پورتال وزارت کشور. صفحه 33-29.
- <http://www.moi.ir/portal/File/ShowFile.aspx?ID=49b6596e-ab78-4360-b6ff-227b3c70492a> (دسترسی در 9/4/1390)

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)